

تاریخ و فرهنگ مردم دوار

تحقیق:

دکتر عبدالعلی لہسائی زادہ ، عبدالنبی سلامی

تاریخ و فرہنگ مردم دوان

تتحقیق:

عبدالنبی سلامی

پروفیسر ارشد سازمان صدا و سیما

دکتر عبدالعلی الحسنی زاده

استاد بخش جامعه‌شناسی دانشگاه شیراز

انتشارات نوید شیراز



لهسائی زاده، عبدالعلی، ۱۳۳۰ -
تاریخ و فرهنگ مردم دوان / تحقیق عبدالعلی لهسائی زاده، عبدالنبی سلامی. -
شیراز: نوید شیراز، ۱۳۸۰.
۵۹۲ ص: مصور، نقشه، جدول، نمونه، نمودار.

ISBN 964-6810-69-1

فهرست نویسی براساس اطلاعات فیبا.

چاپ قبلی: اطلاعات، ۱۳۷۰.

کتابنامه: ص. [۴۹۹] - ۵۱۰.

۱. دوان، الف. سلامی، عبدالنبی، ۱۳۲۹ - محقق، ب. عنوان.

۹۵۵/۶۳۶

۹ ل ۲ و / ۲۰۸۷ DSR

۱۳۸۰

۱۲۹۴۵ - ۷۹ م

کتابخانه ملی ایران



تاریخ و فرهنگ مردم دوان

تحقیق: دکتر عبدالعلی لهسائی زاده - عبدالنبی سلامی

□ حروفچینی: پدیده □ گرافیک: واصف □ چاپ: قلم □ تیراژ: ۲۰۰۰ جلد

چاپ اول: اطلاعات ۱۳۷۰ - چاپ دوم با تغییر حروفچینی و اضافات ۱۳۸۰

ناشر: انتشارات نوید شیراز

دفتر شیراز - تلفن/نمابر ۲۲۲۶۶۶۲ - ۰۷۱۱ - ص.پ: ۷۱۳۶۵/۶۶۶

دفتر تهران - تلفن/نمابر ۸۹۰۵۹۴۵ - ۲۱

شابک ۱-۶۹-۶۸۱۰-۹۶۴-۹۶۴-۶۸۱۰-۶۹-۱ ISBN 964-6810-69-1

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۷	مقدمه
۹	نشانه آواها
۱۰	چند نکته در مورد نشانه‌های آوایی
۱۱	فصل اول / موقعیت جغرافیایی و چهره طبیعی دوان
۴۹	فصل دوم / زمینه تاریخی و معماری سستی
۸۳	فصل سوم / مذهب و اعتقادات مردم دوان
۱۰۵	فصل چهارم / آداب و رسوم
۱۵۷	فصل پنجم / مالکیت زمینهای زراعی و تحولات آن
۱۷۷	فصل ششم / ساخت اقتصادی
۲۲۳	فصل هفتم / ساخت اجتماعی
۲۵۹	فصل هشتم / نظام آموزش و پرورش روستا
۲۸۷	فصل نهم / طب سستی
۳۵۵	فصل دهم / ادبیات شفاهی

فصل یازدهم / بازیهای سنتی دوان.....	۴۰۵
فصل دوازدهم / تأسیسات زیر بنایی عمرانی و خدماتی.....	۴۲۹
فصل سیزدهم / علما و مشاهیر دوان.....	۴۵۵
مؤخره.....	۴۹۵
منابع و مأخذ.....	۴۹۹
نمونه‌هایی از آثار علما و مشاهیر دوان.....	۵۱۱
آلبوم تصاویر.....	۵۲۲
فهرست راهنما.....	۵۶۴

تقدیم به مردم دوان
به پاس یاریهای بیدریغشان

مقدمه

هدف کتاب حاضر مطالعه جامعه شناختی - انسان شناختی فرهنگ روستای دوان است. هر روستا به عنوان یک جامعه دارای فرهنگی خاص است که آن جامعه را از سایر جوامع، متفاوت می نماید. اصولاً فرهنگ یک جامعه، نحوه زندگی افراد آن جامعه برای به حداکثر رساندن تطابق با محیط مادی و غیرمادی است. از این رو فرهنگ وسیله ای است که از طریق آن انسانها می آموزند که از ابتدای تولد تا به هنگام مرگ چگونه در جامعه مشارکت داشته باشند. باید توجه داشت که هر فرهنگی در سطح بسیار وسیع متشکل از چهار سطح اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و اعتقادی - ایدئولوژیکی مرتبط به یکدیگر است. تفکیک این سطوح از یکدیگر امری مشکل است اما به هر جهت در تحقیقات جامعه شناختی و انسان شناختی سعی می شود عناصر متشکله آنها را نشان داد. در تحقیق حاضر تلاش بر این بوده است که اجزاء فرهنگی روستای دوان به طور نمونه مورد بررسی قرار گیرد.

فرهنگ هر روستا جزئی از فرهنگی وسیع تر است که تحت تأثیر آن فرهنگ قرار می گیرد. به عبارت دیگر، روستاها جوامع بسته ای نیستند، بلکه بر عکس تصور غالب، تحت هجوم فرهنگهای مختلف در زمانهای متفاوتی قرار می گیرند. این امر باعث می گردد در مطالعه ساخت فرهنگی روستاها، مسأله مطالعه تطبیقی مورد توجه قرار گیرد. از طریق این نوع مطالعات است که معین می گردد چه عناصری از سایر جوامع و به چه شیوه ای وارد نظام فرهنگی روستای مورد نظر شده است. در مطالعه این روستا سعی بر آن بوده تا عوامل و عناصر نفوذی خارج از روستا به درون جامعه دوان نشان داده شود.

روستا به عنوان یک پدیده اجتماعی، دائم در حال تغییر و تحول است. به بیان دیگر روستا نه تنها یک ساخت است، بلکه یک فرآیند نیز می باشد. ساخت روستا پویاست اما این پویایی هم نسبت به پویایی شهرها کندتر است و هم در زمانهای مختلف وضعیت یکسانی ندارد. در این تحقیق سعی شده تا پویایی فرهنگی در طول تاریخ چند صد ساله روستای دوان ترسیم گردد. به همین منظور فرآیند پیدایش، استحکام و اضمحلال عناصر فرهنگی مختلف این روستا مورد

بررسی قرار گرفته است تا بدین وسیله تراکم و تحول فرهنگی دوان مشخص گردد. چنین مطالعه‌ای مستلزم نگرشی تاریخی و مقطعی نسبت به جامعه مورد نظر است. از آنجایی که نگرش تاریخی - مقطعی در جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی به تکنیک‌های تحقیقاتی مختلفی نیازمند است. لذا در تحقیقات حاضر از تکنیک‌های متفاوت در علوم اجتماعی بهره گرفته شده است. در ارتباط با تکنیک «سندی»، از کلیه اسناد موجود نوشته شده (سنگ نوشته‌ها و کتیبه‌ها، کتب خطی و چاپی، آمارنامه‌های دولتی و غیر دولتی، مجلات و روزنامه‌ها، اسناد رسمی و غیر رسمی، و غیره)، اسناد لفظی یا به عبارت دیگر تاریخ شفاهی (قصه‌ها، خاطره‌ها، سرگذشتها، و غیره)، و اسناد فیزیکی (ساختمانها، اشیاء و ابزار، و غیره) استفاده شده که در دستیابی به بعضی از آن‌ها تحقیق با مشکلاتی روبرو بوده است. دومین تکنیک مورد استفاده تکنیک «پیمایشی» بوده است که برای این منظور پرسشنامه‌های مختلفی (پرسشنامه روستا و پرسشنامه مهاجران) تهیه و اطلاعات لازم، جمع‌آوری گردید. برای مثال از یک نمونه یکصد خانوار مهاجران دوانی در شیراز پرسشنامه پر شده است. در رابطه با همین تکنیک، بسیاری از اطلاعات از طریق مصاحبه با افراد مطلع و صاحب نظر در امور مختلف جمع‌آوری و پس از تطبیق و رسیدن به جوابهای معتبر، استفاده گردیده است. بالاخره باید از تکنیک‌های «میدانی» نام برد که در این تحقیق مشتمل بر مشاهده مشارکتی و مشاهده غیرمشارکتی بوده است. برای شناخت بسیاری از عناصر فرهنگی، پژوهشگر مجبور به مشارکت است تا عنصر فرهنگی را آنچنان که هست مشاهده کند. در شق دوم، مشاهده صرف کافی بوده و شناخت لازم بدست آمده است.

حاصل تحقیقات چندین ساله در مورد دوان نشانگر این واقعیت است که هر روستای این مملکت دنیایی ناشناخته است و زمانی ما به شناخت واقعی جامعه روستایی خود خواهیم رسید که تک تک روستاها را مورد مطالعه و بررسی علمی قرار دهیم و سپس یک جمع‌بندی کلی در ارتباط با سطح کلان داشته باشیم. چنین شناختی مستلزم بهای کافی دادن به تک نگاری‌های روستایی از طریق بررسیهای جامعه‌شناسی روستایی، انسان‌شناسی و مردم‌شناسی است.

در پایان از کلیه کسانی که در این مهم به نحوی یاریمان داده‌اند و یا در طی مراحل مختلف در راه پیشبرد این هدف تشویق‌مان کرده‌اند تشکر می‌کنیم و همچنین از زحمات مدیریت و کارکنان محترم انتشارات نوید در طی مراحل مختلف چاپ دوم این کتاب صمیمانه سپاسگزاریم.

نشانه آواها

آژام = ħjam	d	ذ	آرام	â	آ
کار	r	ر زشی	آبر	a	آع
ژنده = r̄		ر غلطان	کا:رک = ka:rek	a:	آکشیده
زین	z	ز (ض - ظ)	امروز	e:	إ
سال	s	س (ث - ص)	ایل = e:a	e:	إکشیده
شب	š	ش	ایل	i	ای
غول	q̄	غ	أردو	o	أ
فال	f	ف	کوشمه = ko: ni	o:	أکشیده
قو	q	ق	کوتر	ô	أو
کیش	c	ک پیشین	نور	u	او
کلاه	k	ک پسین	باد	b	ب
گیره	ğ	گ پیشین	پشم	p	پ
گرگان	g	گ پسین	تیر	t	ت (ط)
لال	l	ل	جا	j	ج
مار	m	م	انجیر = andzi	dz	ج
نرم	n	ن	چوب	č	چ
وزن	v	و	خزانه ذغال = tsär	ts	چ
هیزم	h	ه - (ح)	خار	x	خ
یار	y	ی	داد	d	د

چند نکته در مورد نشانه‌های آوایی

برای آگاهی خوانندگان گرامی از نحوه آواهای موجود در گویش دوانی، توضیح چند نکته لازم است:

- به دلیل یگانگی آواهایی چون «الف، ع»، «س، ث، ص»، «ت، ط»، «ز، ض، ظ» و «ح، ه» از هر گروه یک حرف را به کار گرفته‌ایم و از بقیه حروف صرف‌نظر کرده‌ایم مثلاً به جای شرط کنون، شرت کنون، به جای عاریس، آریس، به جای صاوون، ساوون، به جای حروم، هروم آمده است. - چون در گویش دوانی غیر از مصوتهای کوتاه آواهای کشیده هم زیاد به کار می‌رود، برای مشخص شدن آن در نوشته‌های فارسی به صورت یک خط تیره که صدای حرف قبل از آن رویش قرار گرفته نشان داده‌ایم، این علامت در کلمه فونتیک به صورت «:» جلوه می‌کند. مثل کتَرِک (ka:rek) = بزغاله، پَر (be:r) = انجیر وحشی و کُننی (ko:ni) = چشمه بهاره. و از این قبیل.

- در این گویش آواهایی وجود دارد که در فارسی امروز نیست. مثل ts که آوایی است بین «s, t» در نتیجه ما دو حرف ts را برای آن به کار برده‌ایم. البته چون معادلی در فارسی برای آن نیست به دلیل نزدیکی آوای آن به «ج»، از همین حرف استفاده کرده‌ایم. مثل کوچی (kutsi) = نوعی انجیر و چَرِک (ts:rek) = چرخ نخ ریزی و از این قبیل.

- آوای دیگری نیز در این گویش وجود دارد که در فارسی امروز نیست. بناچار به دلیل نزدیکی آن به «ج» در کلمات فارسی از حرف «ج» استفاده کرده‌ایم. و چون صدای آن بین «z, d» است نشانه آوایی آن را dz قرار داده‌ایم مثل انجی (andzi) = انجیر، گُنْج (gondz) = زنبور قرمز. - آوای دیگری نیز در این گویش وجود دارد که بین «د» و «ر» است این آوای نیز چون در فارسی نیست از حرف «ذ» استفاده کرده‌ایم البته صدای آن شبیه به «ذ» فارسی نیست بلکه صدای th در انگلیسی دارد. نشانه آوایی آن را «ḡ» انتخاب کرده‌ایم مثل داده (daḡa) = خواهر بزرگتر، کُذِنِک (koḡenek) = وسیله کوبیدن کاهگل پشت بام، و پَدُوْرَد (beḡavord) = گیاه باد آورد.

یاد آور می‌شویم که هرگاه در کلمه قبل از d مصوت باشد d به ḡ تبدیل می‌شود ولی هرگاه قبل از حرف d صامت بیاید به صورت «د = d» تلفظ می‌شود. مثل خوردن (xardan) = خوردن و اکندن (vḡakandan) = حفر کردن و....

ضمناً در زمینه گویش دوانی و آواهای موجود در آن، کتابی تحت عنوان فرهنگ گویش دوانی در دست تدوین است که انشاءالله بزودی منتشر شده و در اختیار علاقمندان قرار می‌گیرد.

فصل اول

موقعیت جغرافیایی و چهره طبیعی دوان

مقدمه

یکی از پیش نیازهای اصلی در مطالعه هر جامعه، شناخت موقعیت جغرافیایی و چهره طبیعی آن است. مطالعه این امر در بررسیهای روستایی اهمیت بیشتری می‌یابد، زیرا عوامل طبیعی بر زندگی روستایی نسبت به زندگی شهری تأثیر تعیین کننده تری دارند. به همین لحاظ باید موارد شاخص و اساسی ناشی از طبیعت که بر انسانها اثر می‌گذارد و از طرف دیگر مورد دستکاری آنها واقع می‌گردد، بررسی شود. در این رابطه باید ابتدا محدوده جغرافیایی جامعه مورد نظر مشخص گردد؛ سپس پستی و بلندیها و دشتی که جامعه مزبور در آن قرار گرفته مورد شناسایی قرار گیرد. خاکشناسی و آب و هوای هر منطقه، در معیشت ساکنان آن منطقه تأثیر زیادی دارد و ضروری است که مورد بررسی قرار گیرد، زیرا بر اساس ماهیت آنهاست که پوشش گیاهی و جمعیت حیوانی خاص در حول و حوش جامعه مورد نظر پراکنده می‌گردد. لذا موارد بالا در رابطه با روستای دوان و منطقه آن مد نظر است که به طور مجزا و در ارتباط با یکدیگر بررسی می‌گردد. موقعیت دوان در منطقه کازرون و فارس به گونه‌ای است که وضعیتی خاص به این روستا بخشیده و آن را استثناء کرده است. این روستا به علت قرار گرفتن در یک منطقه بین سردسیر و گرمسیر، صاحب یک دسته ویژگیهایی گردیده که بر شکل زندگی دوانی‌ها اثر گذاشته است. از طرف دیگر تنوع خاکها باعث شده که کشاورزی روستا از تنوع برخوردار باشد. بالاخره باید بیان کرد که آب و هوای دوان و تنوع آن در مناطق مختلف، یک تنوع در پوشش گیاهی ایجاد کرده و

ما در این سرزمین با تنوعی از حیوانات روبرو می‌گردیم.

هدف فصل حاضر بررسی موارد بالاست تا بدین وسیله نشان دهیم که ساخت یا بافت طبیعی منطقه دوان چگونه زمینه را برای ایجاد نوعی خاص از معیشت مهیا کرده است. به عبارت دیگر فصل حاضر زمینه اکولوژیک منطقه را مشخص می‌نماید. اگر چه در این فصل بحثهای اکولوژیک به طور مستقیم انجام نگرفته، اما سعی شده است تا حدودی چگونگی ارتباط بین دوانی‌ها با محیط طبیعی اطرافشان بیان گردد، یا حداقل نشان داده شود که دوانی‌ها با چه وضعیت طبیعی روبرو هستند.

محدوده جغرافیایی دوان

روستای دوان واقع در استان فارس در ۱۲ کیلومتری شمال شرقی کازرون قرار دارد و جزء شهرستان کازرون می‌باشد. از لحاظ تقسیمات کشوری در بخش «مرکزی» قرار گرفته و جزء دهستان «حومه» است. خود روستا بر روی طول جغرافیایی ۵۱ درجه و ۵۵ دقیقه و عرض جغرافیایی ۲۹ درجه و ۲۲/۵ دقیقه قرار گرفته است، اما منطقه دوان بین طولهای جغرافیایی ۵۱ درجه و ۵۰ دقیقه و ۵۱ درجه و ۵۵ دقیقه و عرضهای جغرافیایی ۲۹ درجه و ۲۵ دقیقه و ۲۹ درجه و ۲۰ دقیقه گسترده شده است.

حد شمالی منطقه دوان از غرب به شرق، روستاهای نودان، تره‌دان و تنگ چوگان وسطی است. حد غربی آن از شمال به جنوب، روستاهای تنگ چوگان سفلی، حاجی آباد، سلطان آباد، امیرآباد، دریس، جامه بزرگی و شهر کازرون است. محدوده جنوبی آن از شرق به غرب از کازرون تا روستای دیکانک می‌باشد. بالاخره حد شرقی این منطقه از شمال به جنوب روستاهای پاپون، گرگدان، موردک و دیکانک است.

نقشه ۱-۱ موقعیت دوان را در منطقه کازرون نشان می‌دهد. منطقه دوان و یا به عبارتی دیگر پلاک ۳۰۴ بخش ۷ واقع در شهرستان کازرون شامل ۲۴/۸ هکتار قریه دوان، ۰/۶ هکتار قریه امیرآباد، ۲/۷ هکتار قریه عسکرآباد، ۸/۳ هکتار باغات امیرآباد، ۸/۶ هکتار باغات عسکرآباد، ۱۳۱۰/۰۵ هکتار باغات دوان، ۳۰۰۰ هکتار زمینهای زراعی دوان و ۸۸۷۷/۴۵۲ هکتار منابع

ملی منطقه دوان است.^۱

نقشه ۱-۲ حدود و مرز پلاک ۳۰۴ از بخش کازرون را به طور دقیق نشان داده است. در این نقشه کوهها، تپهها و دشت پلاک دوان، به تفکیک باغها، منابع طبیعی، مزارع و مناطق روستایی مشخص شده است.

کوههای منطقه دوان

رشته جبال زاگرس از شمال غربی ایران به جنوب شرقی کشیده شده و دنباله آن در فارس تشکیل کوههای متوازی و دنباله‌داری را داده است. دوان در میان کوههای شمالی جلگه کازرون که از چند رشته کوه تشکیل شده، قرار دارد. طول این کوهها حدوداً ۴۰ کیلومتر است که مشخصاً مسیر آن از جنوب شرقی به شمال غربی می‌باشد. در قسمت جنوب شرقی آن دریاچه پریشان و در قسمت شمال غربی آن تنگ چوگان قرار گرفته است. این کوهها به ترتیب از کازرون به دوان عبارتند از: کوه سیدامین الدین، کوه زندان، کوه بادمی، کوه تورو (toru)، کوه دوان و کوه مُرگ (morğ). این سلسله کوه دارای خط الرأسی است که در قسمت جنوب و غرب آن شیب‌های تندی قرار دارد که به دشت دِرْکِ (derk) دوان منتهی می‌گردد و منطقه‌ای مسطح برای زراعت ایجاد کرده است. بلندترین قله این رشته کوه، تل مُرگ (tel - emorğ) است با ارتفاع ۲۴۷۳ متر که در رشته کوه دوان قرار دارد.

کوههای دوان همگی از طبقات ائوسن (Eocene) و الیگوسن (Oligocene) تشکیل شده‌اند. وضع طبقات در این قسمت جهت ساختمانی دارد. کوهها دارای سیستم ژورانی ساده است و چون چین خوردگی در این ناحیه کمتر است طبقات حالت اولیه خود را از دست نداده‌اند، شکل ناهمواریها بیشتر به صورت تنگنا و عمیق می‌باشد و همین حالت باعث ایجاد راههای خطرناکی گردیده است.

هر منطقه کوهستانی دوان دارای نامی مشخص است که این نامها همگی محلی هستند و معمولاً کمتر در نقشه‌ها ثبت شده است. اگر از دوان به سمت شمال غربی حرکت نماییم به تنگ چوگان

(۱) آمار: مستخرج از نقشه تهیه شده توسط سازمان جنگلها و مراتع کشور، سرچنگلداری استان فارس در سال ۱۳۵۳.

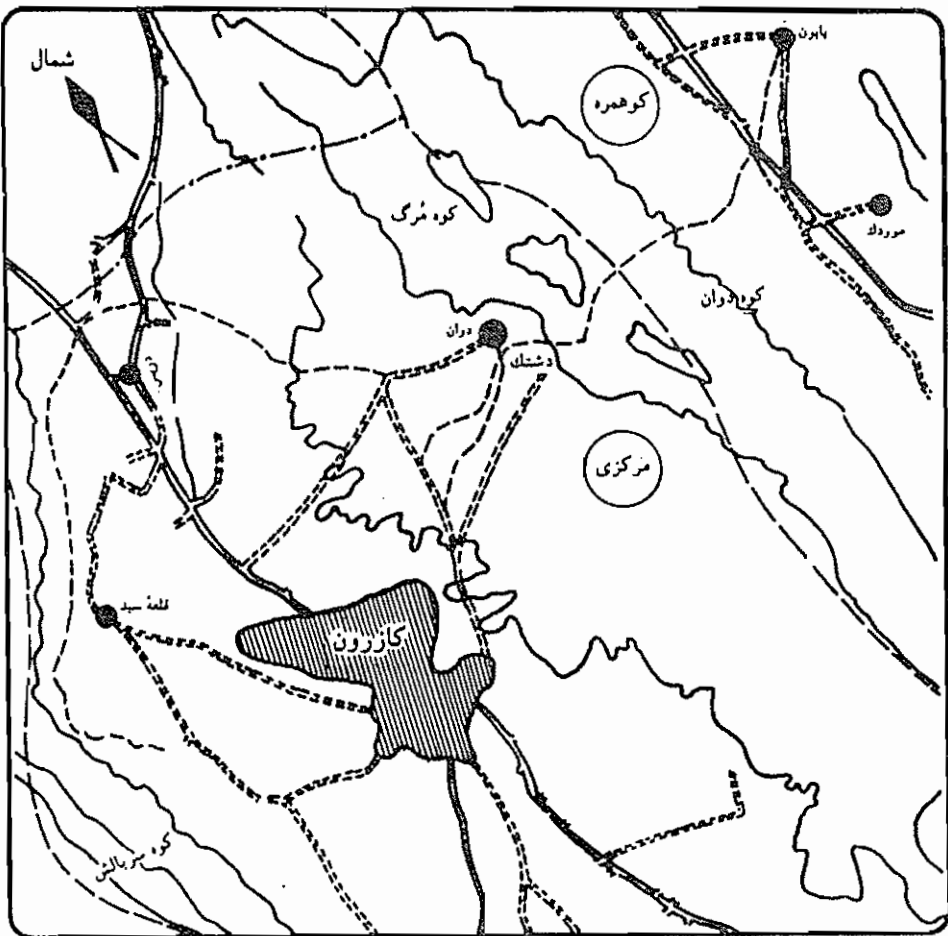
خواهیم رسید که در این مسیر به ترتیب به نامهای زیر بر می‌خوریم: تل خونی (tel - e xuni)، هنا (hanâ) اونو (ônô)، کئی آمه (ko - y amme)، تنگ شیری (tang - e širi) کئی پاذون (ko - y pādun)، تنگ بری (tang - bari)، کئی شتری (ko - ye šotori)، او نارک (ô nârek)، تنگ فراق (tang - e ferâp)، تنگ مشی (tang - e emaši) و بالاخره تنگ ناری (tang - e nâri).

از دوان به سمت شمال به روستای تره‌دان می‌رسیم که نام مناطق از دوان تا آنجا به ترتیب عبارت است از: هنا (hanâ)، گاهار (gâhâr)، هنی بار (hano - y bâr)، پرتی سلمونی (bera:tey salmuni)، گاهار دو می (gâhâr - e dovvmi) نسه گرك (nese - y garek)، بری قسا (bari qasâ)، پی قله (Pey qa:la)، بردمبولو (bard - e mobolu)، شیدک دو (šeḡek du) و بالاخره گود - جهون (goḡ - e johun).

نام مناطق کوهستانی به سمت روستای نودان در شمال شرقی عبارت است از: گاهار سوتکو (gâhâr - e suteku)، تل پُرسُم (tel - e porsom)، دره امونت (dere - y amunat)، گاهار بار (gâhâr - e bār)، ساذت یاری (sâḡat yâri)، گور مغول (gur - e moḡol)، تل پهک (tel - e pehak)، تل باور (tel - e bâvar)، هسن بیشک (hasan bišek)، زیکرب (zikreb)، پس کئی آیسک (pas - e ko - y âsek)، سرب س (ser - e ba: s).

از دوان به سمت شمال شرق یعنی روستای پاپون به ترتیب از کئی خنمیک (ko - y xanomek)، کئی قلاتو (ko - y qalâtu)، پس کروشگه (pas - e kurušga)، بَسَلِک (ba: sek - e marzi)، تل سرا (tel - e sarâ)، تل مُرگ (tel - e morg)، دویک (do:yak)، بردینگ ایشکسه (barding - e eškla:sa)، پیرمیری (pir - e miri)، دیدگی مَرزا (didge - y ma: rezâ)، النگ و تل گلسوزک (alangi - e gelsôzak)، تل هسن مهدکی (tel - e hasan ma: ḡeki)، تل اودلی (tel - e avdeleyi)، و کوری ارجنگ (kuri arjandg) گذر خواهیم کرد.

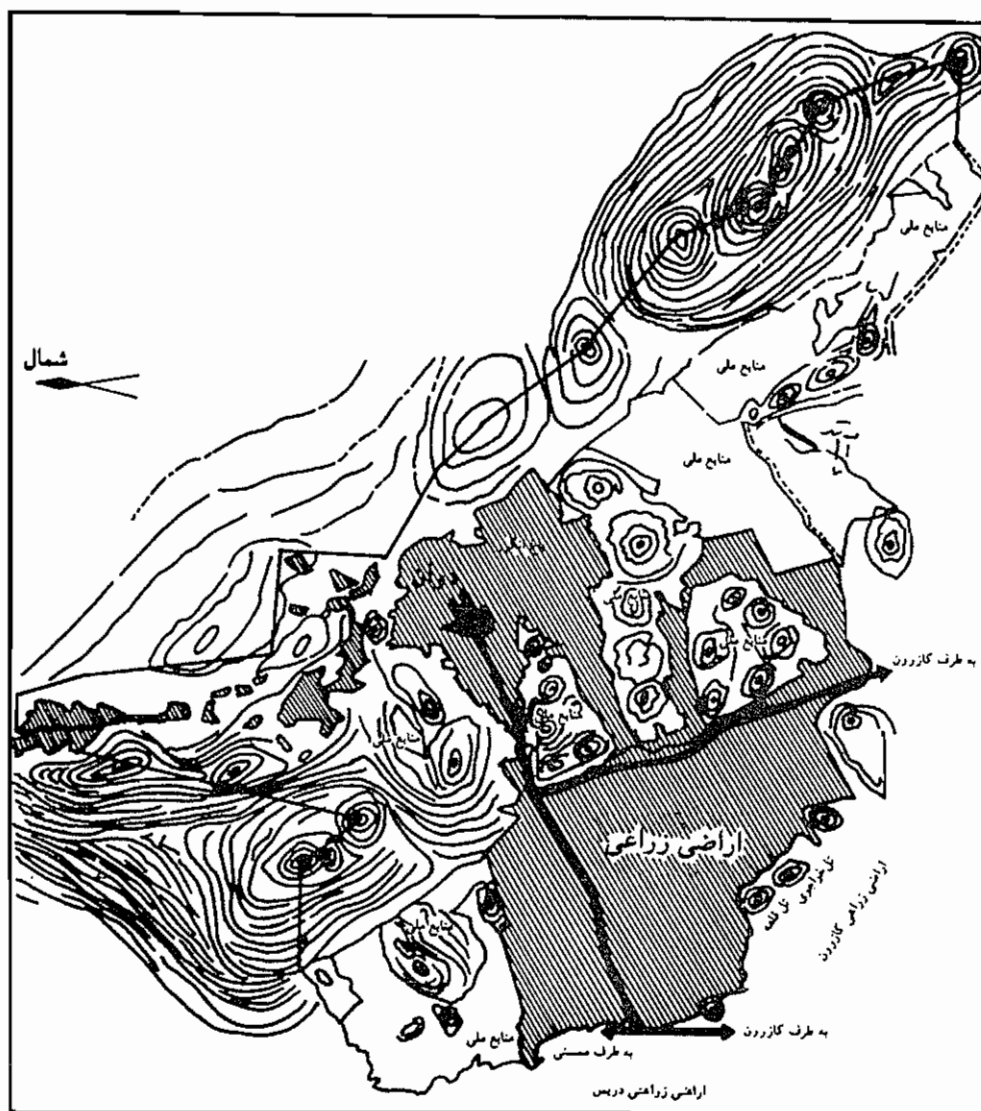
از دوان به سمت روستاهای گرگدان و موردک در مشرق از مناطق کوهستانی زیر عبور خواهد شد: تل گرگ سوزار (tel - e gorg - e sôzâr)، کره سیر (kere - y sir)، هنی کنه (hano - y kena)، کی یل دروازه (kiyal - e darvâza)، تنگ پازنی (tang - e pâzani)، تاوه



مقیاس: ۱:۱۰۰,۰۰۰

منبع: نقشه شهرستان کازرون (جهادسازی استان فارس)

نقشه ۱ - ۱: موقعیت دوان در منطقه کازرون



مقیاس: ۱:۴۰۰,۰۰۰

منبع: اداره کل سرچشمه‌نگداری استان فارس

مندی (tâve - y ma: di)، تاوه چک چک (tâve - y čekček)، مِل کوشار (mol - e kušâr)، مِل کُنی (mol - e ko:ni)، تاوه پری (tâve - y peri)، و هُنّی دَـلِـز و (hano - y da: lezu). در منطقه کوهستانی جنوب از دوان به سمت جنوب شرقی که از منطقه دشتکو می‌گذرد به ترتیب از مناطق کوهستانی زیر عبور می‌شود:

تل قاذی یون (tel - e qâdiyun)، سنگ قلاتو (sang - e qalâtu) گرسیاذک (gar - e siyâdak)، درِی داسبونو (dere - y dâsbunu)، پِزکو (barko)، اُوخرمنو (ô xarmanu)، درِی خُجّه رجوی (dere 0 y xojar rejavi)، بل مَـذِ خاجه (bal - e ma: d - e xâja)، اُونِیک (ôneyek)، تل کی یِل (tel - e kiyal)، بل گُفت منسیری (bal - e gaft - e mansiri)، اشکت تیجی (eškat - e tiji)، چات تُمبولوک (čat - e tomboluk) اُوخرمنو (ôxarmanu)، مازی غنی (mâze - y qani)، تل گورو (tel - e gurô)، برد بلند اول (bard - e boland - e avvol)، یِل غوچی (tel-e qūč-i)، برد بلند دوم (bard - e boland - e dovvom) y, lد (bard - e porsom) و بالاخره تیری تاق (tire - y tâq).

از دوان به سمت جنوب در منطقه کوهستانی از مناطق زیر عبور می‌شود: بل غنی (bal - e qani)، تل بُرُی دومان (tel - e baryo - y duman)، اوqlا (ô qalâ)، دَر کزده (dar - e kazde)، بری سُواذو (bari sovâdu)، یِل تَتِ نساء (tel - e ta: t - e nesâ)، شیش گرد (šiš gard)، اُوبِیدی (ô bi: di)، تل خرمن رسو (tel - e xarman rasu) و تنگ تلو (tang - e talô).

روستای دوان توسط یک رشته کوه محصور است که در قسمت غربی دو سر رشته کوه به هم پیوسته و تنگ دوان را تشکیل می‌دهد. از تنگ دوان به سمت دوان سمت چپ جاده نام مناطق به ترتیب زیر است: سی وه (siva)، پرتستی میشو (bera:te - y mišu)، گود باسیو (gôde bâseyu)، نمازگه (nemaz ga)، هسین بری (hoseyn bari)، برد پلنگ کش (bard - e pelang koš)، کُل انجری (ko; le andzeri)، برد مَی (bard - e ma: mi)، که می‌رسد به پشت روستا معروف به تِل شَلکه (tel - e šak)، و برد خَرَفِ خونه (bard - e xerf xima).

اگر از آنجا روستا را دور بزیم و دوباره به سمت تنگ دوان سرازیر شویم با مناطق زیر برخورد می‌کنیم: تل آشسو (ke ašesu)، مُرکک (morgek)، کُتل شمسَا (ko : le šamsâ)، کُتل

شیخو (ko : l - e šeyxu)، نذا (nedâ)، سُل گَذا (so: l - e gadâ)، اوبلِ پَسَه (ô bal - e pa; se)، تل کَزُو (tel - e karv)، تِل سنگر (tel - e sangar)، نسه تل زی بنک - نسه (nese - y zibanek)، مازی آخندی (mâze - y âxond - i)، ب رِ رَشوکنگه (be: r - e so kanga)، بیرک تی کر (berek - e ty kar)، بردینگ به (barding ba)، اوانبار دومی (ovambar dovvoli)، اوانبار پُدمو (ovambar podomu) و بالاخره نیسی تنگ (nese - y tang)²، که چنانچه رو به شرق کنیم در سمت راست تنگ دوان قرار دارد.

جلگه و دشت دوان

دِرُک (دشت) دُوو (derk - e dov) قسمتی از جلگه کازرون است. جلگه کازرون بین دو طاقدیس با جهت شمال غربی - جنوب شرقی قرار دارد. این دشت از آبرفت‌های دوران چهارم پوشیده شده و شیب تند کوه‌های دوان تبدیل به منطقه‌ای وسیع به نام دِرُک دوان شده که محل زراعت دوانی‌ها است. دِرُک دوان مملو از سنگریزه و سنگ‌های درشت است که کشاورزی را با مشکل روبرو می‌کند. ارتفاع از سطح دریا در دِرُک دوان ۷۷۰ متر است و هر چه به سمت مغرب می‌رود از ارتفاع آن کاسته می‌شود. شیب تند این زمینها باعث شده که سیلابهایی که از کوه‌های دوان در دشت جاری می‌شود یا به سمت رودخانه شاپور و یا به سمت دریاچه پریشان سرازیر گردد.

در دِرُک دوان تپه‌های متعددی وجود دارد که بعضی از آنها تپه‌های گچی است و لایه‌های آهکی زیاد دارد. جلگه دوان طبقات مختلفی دارد که از بالا به پایین چهار طبقه قابل تشخیص است: روی جلگه را به ضخامت ۲۰ تا ۳۰ متر طبقات آبرفت پوشانده که رودخانه‌ها بجا گذاشته‌اند؛ زیر این طبقات مارن دوره میوسن (miocen) به ضخامت ۲۰ تا ۲۵ متر است؛ زیر این دو طبقه سنگ آهک آسماری قرار دارد که ضخامت آن بیش از صد متر است؛ و بالاخره زیر سنگ آسماری ورقه‌های آهک مارنی دوران الیگوسن به ضخامت زیاد قرار دارد. به طور کلی این دشت از آبرفت‌های دوران چهارم پوشیده شده است.^۱

هر قسمت دشت دوان و زمینهای مسطح بین کوهها، همچون مناطق کوهستانی دوان، دارای نامی خاص است که این نامها در نقشه‌های رسمی نیست و عمدتاً نامهای محلی می‌باشد. بین کوه سیدامین الدین و کوه تنگ زندان را دشتک یا دشتکوه (dašteku) گویند. منطقه دشتکوه به هفت ردیف زمین تقسیم می‌شود که نام محلی این ردیفها از مشرق به مغرب به شرح زیر است:

ردیف اول: پرتی زرد حاج خان الی (bera: te - y zard - e hoj zân ali)، پوزئی کئی سیدامین الدین (puze - y ko - y seyid aminaddin)، پرتی کئی سیدامین الدین (bera: te - y ko - y sedy aminoddin)، پرتی کر (bera: te - y karr)، دری گوت (dere - y govot)، مازی آریمی (mâze - y âreyimi - i)، گردن کئی سیدامین الدین (gardan - e ko - y seyid aminoddin)، نسبی کئی سیدامین الدین (nese - y ko - y seyid aminoddin).

ردیف دوم: اشکت خُل میرِ لی (eškât - e xol me: rali)، دری چه (dere - y ts a)، پوزئی قاسمی (puze - y qâsemi)، تاوئی آسکر (tâve - y askar)، تاوئی مَ ذی (tave - y ma: di)، تاوئی ساچمه‌ای (tâve - y sâçme - yi)، تنگ بَ می یار (tang - e ba: miyâr)، تنگ کُل و دَر (tang - e kal - o dar)، ری تاوی ساچمه‌ای (re - y tâve - y sâçme - yi)، کُنار «حضرت عباس» (konâr - e hazret - e abbâs)، اُمبار شال (Ovambar - esal)، نرمک خُل مَ تقی (narmek - e xolmataqi)، مازه بردینگک (mâ: ze - y barding - ek).

ردیف سوم: کِرِمَ ذی (ker - e ma: di)، کُون کَل اَن (ku: n - e ka: l - e a: n)، پال شس میری (pâl - e šas mer - i)، گُوزک خُل مَ تقی (gôdek - e xol ma: taqi)، بردِ کَلِه اِسپه (bard - e kalla espe) و وار توله‌ای (vâr - e tule - yi).

ردیف چهارم: کَل اَن (ka: l - e a: n)، سوزی مَ ذی (sozi ma: di)، پس تاوه (pase - e tâva)، هسن بردر (hasan bardar)، هسن کلو (hasan kalu).

ردیف پنجم: تاوئی قز کریمی (tâve - y qoz karimi - i)، تنگ نخش (tang - e naxš)، گورونخش (gurô - e naxš)، پس کَل اَن (pas - e ka: l - e a: n)، تل انجری (tel - e andzer - i)، پس تاوه (pas - e tâva)، نوگرده‌ای (nô garde - yi)، مازی خرمن (mâze - y xarman)، اُمبار تل دراز (ovambâr - e toi derâz)، هسن کلوی گنو (hasan kalu - y gotu).

ردیف ششم: مازی خل مَ تَقی (mâze-y xol ma:taqi)، مازی مُ سِنی (mâze-y mo:sen-i)، بِرَ تِ مُ سِنی (bera: te-y mo:sen-i)، مازی خُوذِ (mâze-y xođe)، نیسی مازی خُوذِ (nese-y mâze-y xođe)، کَم هَلَقَه (kani-e helqa)، پال مَ ذی کلغومی (pâl-e ma:đi-ye kal ħolum-i)، مازی بُدُم (mâze-y bađom)، گُرِیز (goriz)، گور و جفتی (gurov-e jaft-i)، او مبار آلی مَ ذ بیگی (ovambâr-e ali ma:đ-e beygi)، تل شرابی (tel-e šarâvi)، بر تِ آلی وردی (bera: tey ali verdi)، وارد مئی (vâr damoyi)، وارکنه ای (vâr-e keneyi)، آلی وردی (ali vardi)، بَرِد تَرِک (bard-e tarek)، واریر (vâr-e bir)، زِرِگَر (zer-e gar)، بار کنده یی (bâr-e kande-yi)، گوذ کرره ای (gôđe-e karre-yi).

ردیف هفتم: گذار دُر (gođar -e dor)، گذار بنکی (gođâr-e baneci)، گذار گل شیو (gođâr-e gol šiyu)، بُرد کل مندلی (yord - e kal mandali)، دره برد بلند (dere-y bard-e boland)، بر تِ سی بری دو (bera:te-y bari-du)، نیسی بری دو، (nese-y bari-du)، تِل چِیاه (tel čiyâ).

منطقه بین کوه تنگ زندان و کوه بادمی به سه ردیف زمین با نامهای زیر از مشرق به مغرب تقسیم شده است:

ردیف اول: شیش گردبار (šiš gard-e bâr)، اوپُدم (ô pođom)، اوپیدی (ô biđi)، گُری فکیو (gori faciyu)، دومن جدول (duman-e jadval)، دوکنگی (do kanđ-i)، واریر (vâr-e var)، بردینگ سامون (barding sâmun)، سه تنگ زندو (nese - y tang -e zendu).

ردیف دوم: شیش گرد و ږری گِری (dere-y gorđi)، بِر تِ سی شیش گرد (bera:te-y šiš gard)، کلوار بار (kolvâr-e bâr)، کلوار دومن (kolvâr-e duman)، پال لکی (pâl-e leci)، بِن گَه (bonga)، پال بری (pâl-e bari)، آسیووک (âsiyovek)، بار ریو قوله (bâr-e riva qevla)، بار ریو بار (bâr-e riva bâr)، خرمن جفت (xarman-e jaft)، لَر د (lard).
ردیف سوم: کُی خرموئی (ko-y xormo-yi)، سِر نَرَم (ser-e narm)، ږری تنگی (dere-y tangsi)، اشکت مَ ذی (eškat-e ma:đi)، تنگ گله گرگی (tang-e ġela gorđi)، تنگ فراق (tang-e ferâq).

منطقه بین کوه بادمی و تَرُو (toru) را اِیَرُک (le: rak) گویند و شامل دوردیف زمین است که

از مشرق به مغرب دارای نامهای زیر می‌باشد:

ردیف اول: نسه کی بَدَمی (nese-y ko-y bađomi)، کُی بَدَمی (ko-y bađmoi)، کُی اُولکی (ko-y avoleci)، هَنی بَنگ (hano-y bang)، سنگ سَد (sang-e sa:d)، کُ لِ اسلی (ko; \: l-e asali)، بری مَدَنک (bari ma:đenek).

ردیف دوم: پَر تِ تل بلند (bera:te-y tel-e boland)، تل خرمن (tel-e xarman)، خار زردی (xâr-e zardi)، چار نقره‌ای (tsâr-e noqre-yi)، منار آسی یُو (monâr-e âsiyô)، نار خُردو (nâr-e xordu)، بَر تِ سنگ سَد (bera:te-y sang-e sa:d)، کُتُوخونه (kotô xuna)، اُمبار هُجلی (ovambâr-e hoj ali)، اشکت ریغن (eškat-e riğen)، پوزو رَ دَر (puze-y ra:đar).

دُک دوان از جنوب به سمت شمال شامل زمینهای زراعی طوایف مختلف دوانی است که زمینهای این طوایف به ترتیب زیر در دنباله یکدیگر قرار گرفته‌اند: مَلیو (molloyu) (مَلها)، زِر بَرُوک (zer barovek) (زیر بلوطی)، تاشمساله (tâšamsâla) (دِ ذرو (de:đaru) (دهداران)، مَلیو، زِر بَرُوک - فکیو (faciyu) (ققها)، خاجیو (xâjeyu) (خواجه‌ها)، جمالو، (jamâlu)، خذادُیو (xodâdeyu) (فخرو (faxru) و مَد ذلی جمالی (ma:đali jamāl) (محمد علی جمال).
ادامه دشت بعد از جاده شرقی - غربی دوان، متعلق به طوایف (xoja mirak) خواجه میرک، باپیر (bâ pir)، محمد علی جمال، خُجه میرک، فخرو، محمد علی جمال، جمالو، خذادُیو و آخرین حد آن، زمین خواجه‌هاست. نام قطعات زمینهای زراعی در نقشه ۳-۱ آمده است.

خاک‌شناسی منطقه دوان

دشت دوان در منطقه خاکهای قهوه‌ای واقع شده ولی چون این دشت از رسوبات جدید تشکیل شده لذا عوامل تشکیل دهنده خاک جهت تکامل پروفیل خاک تأثیر زیادی ننموده است. بیشتر خاکهای این منطقه جزء گروه رسوبی است. قسمتی از خاکهای نزدیک دامنه کوهها، کالوویال (collouval) است. این گروه خاکها در دامنه‌های پرشیب تشکیل شده است. ماده تشکیل دهنده آن مخلوطی از سنگریزه و خاک است. طبقات ژنتیکی در پروفیل خاک وجود ندارد و در طول آن لایه‌هایی که فقط از نظر بافت و رنگ اختلاف دارند مشاهده می‌شود. این

گروه خاکها به علت شیب و پستی بلندی زیاد و همچنین وجود سنگریزه‌ها و عمق کم از نظر کشاورزی دارای ارزش فراوانی نیستند. از این خاکها بیشتر برای زراعت‌های دیم می‌توان استفاده کرد.^۱

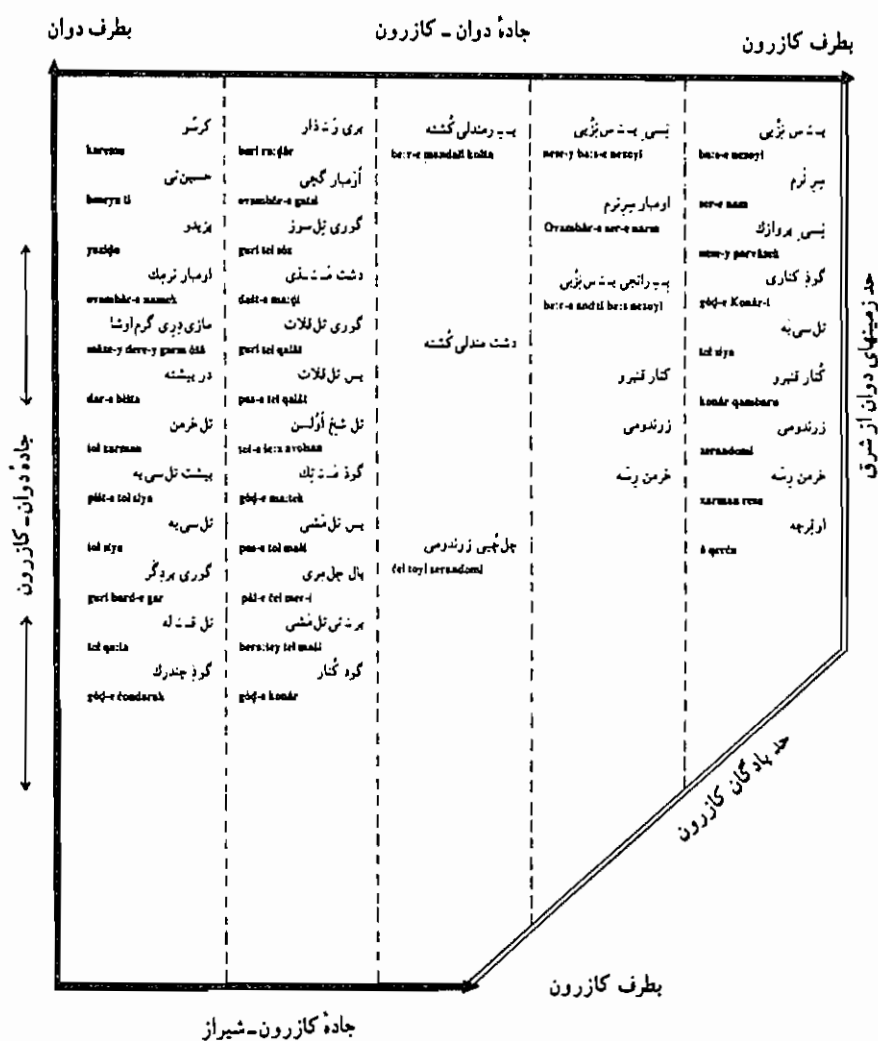
بافت سری خاک دوان نسبتاً سبک و عمق آن کم (در حدود نیم متر) است. سطح خاک دارای شیب متوسط بوده و کمی پستی و بلندی دارد. در قسمت پایین پروفیل سنگریزه‌های رسوبی مخلوط است. شرح پروفیل‌های این سری به قرار زیر است: تا عمق ۱۵ سانتی‌متر، دارای رنگ خاکستری روشن (10 YR 7/2)، بافت خاک متوسط (Loam) مخلوط با کمی سنگریزه، ریشه گیاهان در این طبقه بخوبی رشد می‌نماید. ساختمان فیزیکی خاک کلوخه‌ای و دارای خلل و فرج می‌باشد. از عمق ۱۵ تا ۳۰ سانتی‌متری دارای رنگ قهوه‌ای (10 YR 7/2) بافت خاک متوسط (Loam) مخلوط با کمی سنگریزه، ریشه گیاهان در این طبقه نسبتاً زیاد است، ساختمان فیزیکی خاک ضعیف و کمی فشرده می‌باشد. از عمق ۳۰ تا ۱۵۰ سانتی‌متری مخلوطی از سنگریزه‌های مدور وجود دارد که با شن و کمی خاک مخلوط است.^۲

طبقه‌بندی خاکهای منطقه دوان اکثراً جزء اراضی درجه ۴ است که برای آباد نمودن آن باید قله سنگها جمع‌آوری گردد و زمین تراس بندی و تسطیح شود:

الف - IVT: این زمینها دارای شیب خیلی تند (۵-۸٪) و پستی و بلندی خیلی زیاد است که ارتفاع آنها بیش از ۱/۵ متر و اغلب دارای آب شستگی‌های زیاد است.

ب - IVS: عمق خاک این اراضی کمتر از ۲۵ سانتی‌متر بوده و دارای طبقه محدود کننده از تخته سنگها و قله سنگها است و اغلب دارای آب بریدگی و شیب زیاد و ارتفاع زیاد می‌باشد.

ج - IVST: این اراضی علاوه بر آنکه معایب اراضی تحت طبقه IVS را دارد، معایب تحت طبقه IVT را دارد، معایب اراضی IVS را هم دارد و برای اصلاح آنها باید کلیه عملیاتی را که برای هر دو زیر طبقه انجام می‌دهند در این اراضی انجام داد تا شاید بتوان محصول خیلی خوبی بدست آورد.^۳



نقشه ۳-۱: اسامی محلی قطعات زمینهای زراعی دوان

تنگ تازی	خس ریس	برد اسپ	بدن س. کاری	دردک گچنک	اوسبار تنگ
tang-e nari	haso-y reyis	bard-e asp	ba:-e kamiz-i	derk-e geynek	orambir-e tang
سنگ رفیع خانی	برن تنی اوتارک	دیری شری	کلگه	فشلاق گچنک	برن تنی کر
sang-e rafii xani	beru: tay aotark	derre-y shri	kalga	qebliq-e geynek	beru: tay kar
کنارسی به	بیسی اوتارک	اشکت بری	برد نرک	کشل گچنک	خج علی نفی
kanarsiya	newy aotark	elikt-e bari	bard-e tarik	ke:l-e geynek	hajali noqi
سنگ آو	گوردهش	پادزله	سنگ و شیر	وار پهنه	پاداره
sang-e a	gurd-e ma:l'	padzolah	sang-e sir	var-e pe:na	bahara
سنگ شبر	تل زرو	حسن بزنی	بدن س. کله اسپه	دار موجی	گیرسو
sang-e sir	tol zaru	hasan buzni	ba:-e kalla aspe	var-e mazi	girsu
	پل کتار	بیسی شول	کلگه جفتی	نزه دو	سنگ سفید
	hale katav	ose-y tol	kalge-y jefli	tarra du	sang-e safid
			میون دره	برد موجی	حسن بیان
			sojyan dera	bard-e mazi	hasan bayan
			کوبی شد د شد سنی	دوی شد رجوی	بدن س. سی بری
			kuji ma:q mo:wal	derre-y ma:rezavi	ba:-e dimari
			اشکت گاکشک	بردوار خج منسی	درو چه
			elikal-e gaktak	bard-e var-e xoj masi	derre-y xeh
			بدن س. جلفومن	تل بردینگ	دار زینو
			ba:-e jaxarman	tol-e barding	dor-e zino
			تل سوز	تل حضرت عباس	مازی گورد
			tol soz	tol-e hazret-e abbas	mazi-y gurd
			سوخکی و گورده	گورد کل نوزوی	بدن س. ازداها
			sorxaci vo gurd	gurd-e kal nozoi	ba:-e azdah
			شد ذنی	تل هوز	گورد شد بری
			ma: qani	tol-e hoz	gurd-e shd bari
			تل شیخ حسینی	آوشازده	بیسی حسین آلی
			tol-e sh: x hoseyni	ov-e shazda	ose-y hoseyn-e ali
				تل پشمکی	دوی گاکشک
				tol-e pashaki	derre-y gaktak
				جا دوات	
				ja davat	
				وار کا شد نوی	
				var-e ka ma:nari	

مرز امیرآباد

تاریخ و فرهنگ مردم دوان

مرز زمینهای دریس